www.takbook.com

بیستون و نقش رستم

از اصیل‌ترین یادمان‌های تاریخی

پاسخ به کلیپ «ابطال شناسنامه» ناصر پورپیرار

نویسنده:

کوروش شهرکی

خردگان

WWW.KHERADGAN.IR

www.takbook.com

فهرست

پیش گفتار ۳

تناقض در گفتار پورپیرار ۴

شمار ایالت‌های هخامنشی ۷

مبدا تاریخ ایران ۷

نقل قول ادعای جعلی بودن بیستون از کلیپ ابطال شناسنامه ۸

آیا کتیبه بیستون جعلی است؟ (بررسی و پاسخ) ۹

کتیبه بیستون در نقاشی‌های قدیمی ۱۴

بیستون در گزارش‌های دوران اسلامی ۱۹

پاسخ به دیگر ادعا ها درباره کتیبه بیستون ۲۲

بررسی رمز گشایی کتیبه‌های پارسی باستان ۲۵

اصالت تاریخی کتیبه آرامگاه داریوش بزرگ در نقش رستم ۲۷

سخن پایانی ۳۷

بن‌مایه‌ها و یاری‌نامه‌ها ۳۷

www.takbook.com

بیستون و نقش‌رستم از اصیل‌ترین یادمان‌های تاریخی

پاسخ به کلیپ «ابطال شناسنامه» ناصر پورپیرار

کوروش شهرکی

برابر با به‌روزرسانی ۱۵ بهمن ۱۳۹۵

پیش گفتار

در میان آداب و رسوم برخی ملت‌ها کوه‌ها از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده اند و جنبه تقدس داشته اند، کوه بیستون و کوه حاجی آباد و نقش رستم که بزرگ‌ترین و مهم ترین سند تاریخی قسمتی از شاهنشاهی داریوش بزرگ را در سینه خود نگاه داشته و کورانگون ممسنی و کوه الوند و وان که از خشایارشا کتیبه‌هایی دارند و کوه رحمت (کوه مهر) که تخت جمشید باشکوه‌ترین یادبود امپراطوری ایران در دامنه آن قرار دارد از جمله همین کوه‌ها هستند (سامی، ۱۳۹۲: صص ۱۳۱-۱۳۴).

بیستون کوهی است در سی کیلومتری کرمانشاه که در حدود چهار هزار پا از سطح دریا بلندی دارد و از دوران باستانی تا کنون به نام های بغستان، بهستا، بهستون و بیستون شناخته شده است. این کتیبه در دل خود بزرگ‌ترین و گران‌بهاترین کتیبه داریوش بزرگ به سه زبان (پارسی باستان، عیلامی، بابلی) جای داده که علاوه بر ارزش فراوان تاریخی از نظر زبان‌شناسی نیز دارای اهمیت زیادی است، بیستون به معنای جایگاه خدایان است (سامی، ۱۳۹۲: ص ۱۳۴).

بیستون را اصطخری و ابن حوقل بهستون و بیستون و یاقوت حموی در معجم البلدان و ابن الفقیه در کتاب البلدان و صاحب مجمع التواریخ و القصص، بیستون و خوارزمی در مفاتیح العلوم و حمدالله مستوفی بهستون نوشته اند (همان: صص ۱۳۴-۱۳۵).

کوه بیستون سنگ نگاره‌های زیبایی از زمان ساسانیان و هخامنشیان در خود جای داده است، اما وقتی از بیستون سخن می‌رود معمولا کتیبه و سنگ نگاره معروف داریوش شاه هخامنشی مورد نظر است، کسی که پس از مرگ نا به هنگام کمبوجیه پسر کوروش در راه بازگشت به ایران بر گئومات مغ شورید و

www.takbook.com

کشور را از سلطه این فرد خارج ساخت. قدرت گئومات برمی‌گردد به ماجرای بردیا، کمبوجیه که شاید از کودتای برادر کوچکتر خود یعنی بردیا در هراس بود در اقدامی ناجوانمردانه دستور به قتل برادر خویش را داد. اما بعد از مدتی خبر به تخت نشستن بردیا را به او دادند! البته که او بردیای واقعی نبود بلکه فردی به نام گئومات که از طبقه مغان (روحانیان) بود با استفاده از شباهت ظاهری بسیار خود به بردیا و اینکه قتل بردیا هنوز میان سران حکومت و مردم فاش نشده بود خود را بردیای واقعی و وارث تاج و تخت اعلام کرد.

کمبوجیه در راه بازگشت به ایران جان خویش را از دست داد اما راز قتل بردیای واقعی برای برخی از فرماندهان از جمله داریوش بزرگ آشکار شد. داریوش از شاخه دوم خاندان هخامنش بود و توانست بردیای دروغین را از میان بردارد. کتیبه بیستون شرح چگونگی به روی کار آمدن این پادشاه هخامنشی است و شرح نبرد او با شورشیان علیه تاج و تخت ، این کتیبه‌ها علاوه بر نوشته، تصویری از داریوش و سربازانش و شورشیان علیه پادشاهی هخامنشی را در خود جای داده اند، همچنین این کتیبه‌ها در دوران معاصر باعث رمزگشایی خطوط هخامنشی (پارسی باستان) شد و از اهمیت بالایی برخوردار است.

اصالت تاریخی بیستون امروزه بر هیچ کدام از محافل آکادمیک و علمی پوشیده نیست، اما در چند سال اخیر در فضای مجازی کلیپی به نام «ابطال شناسنامه» منتشر شده است که مدعی جعلی و دروغ بودن کتیبه‌های باستانی کوه بیستون است، سازنده این کلیپ حدودا ۲۵ دقیقه ای فردی به اسم ناصر پورپیرار است و طی نمایش عکس‌ها و تصاویری مدعی می‌شود که مجموعه تاریخی بیستون توسط باستان‌شناسان غربی در کمتر از یک صد سال پیش ساخته شده است تا برای شکل دادن به تاریخ ایران و ساخت سلسله‌هایی همچون هخامنشیان که پورپیرار آنها را جعلی می‌داند مستنداتی تهیه شده باشد. جناب پورپیرار همین خط مشی را در مورد کتیبه‌های مجموعه تاریخی نقش رستم یعنی آرامگاه شاهنشاهان هخامنشی نیز پی میگیرد و آنها را نیز طی استدلال‌هایی جعلی و نو ساز به مخاطب معرفی می‌کند.

از آنجایی که این کلیپ مدعی نظریه‌ای استثنایی و عجیب در تاریخ است و ممکن است برخی مخاطبان به سستی بنیان این ادعاها آگاهی نداشته باشند در این نوشتار به بررسی واژه به واژه مطالب ادعا شده کلیپ با رجوع به کتاب‌ها و اسناد تصویری می‌پردازیم. امیدواریم که این نوشتار باعث اندیشیدن کسانی شود که مدعی جعلی و ساختگی بودن تاریخ ایران هستند.

شیوه نقد نیز با آوردن نقل قول مدعیان و استدلال های آنان و سپس پاسخ دادن به آن است.

تناقض در گفتار پورپیرار

جناب پورپیرار در ثانیه‌های نخستین کلیپ ادعا می‌کند که کتیبه‌های کوه تاریخی بیستون «تاریخ تولد جدید» دارند و آنها را دارای عمری کمتر از «صد سال» می‌خواند و در ادامه می‌گوید: «یعنی صد سال پیش نه

www.takbook.com

داریوشی بر روی کوه‌ها هست و نه کتیبه‌ای درباره‌اش است» (نگاه کنید به کلیپ ابطال شناسنامه، دقیقه ۳ تا۴) پورپیرار در تکمیل این ادعاهای خود کتیبه بیستون را «شمایل دروغ در سراسر جهان» و کتیبه‌های نقش بسته بر کوه را «مفتضح، بی سر و ته و غیر واقعی» میخواند (نگاه کنید به کلیپ ابطال شناسنامه، دقیقه ۲ تا ۳).

ناصر پورپیرار در کلیپ ابطال شناسنامه

این سخنان از جناب پورپیرار بسیار جالب است چراکه پیش تر او در کتاب «دوازده قرن سکوت: بر آمدن هخامنشیان» بارها و بارها به کتیبه بیستون رجوع کرده است (پورپیرار، ۱۳۷۹: صص ۲۳۴ - ۲۴۲)(پورپیرار،۱۳۷۹:صص ۴۰-۴۳) و کتیبه بیستون را نوشته شده به دست داریوش می‌داند در نقدهایی که در این کتاب به کتیبه بیستون شده است داریوش دروغ گو دانسته می‌شود اما هرگز سخنی از جعلی بودن این کتیبه‌ها نشده است (پورپیرار، ۱۳۷۹: صص ۲۴۲ و ۲۴۱ و ۲۳۵ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۸۶ و ۱۶۸ و ۲۵۶) در این کتاب نگارنده کتیبه تاریخی بیستون داریوش است اما نویسنده مدعی است که به فرمان یهودیان نوشته شده است (پورپیرار، ۱۳۷۹: ص ۲۳۴ و ص ۲۳۶ و ص ۲۴۱) و بدین ترتیب نوشته شدن کتیبه بیستون توسط داریوش را تایید می‌کند!!!

جناب ناصر پورپیرار که در این کلیپ مدعی جعلی بودن کتیبه‌ها است در یکی از کتاب‌هایش صراحتا خلاف این ادعا را می‌نویسد:

> *متن سنگ نگاره داریوش نه فقط سند بی خدشه یک نیروی غیر ملی و غیر بومی [منظور او هخامنشیان است] بر سرزمین و اقوام متعددی در ایران و بین النهرین است، بل می‌توانیم*

www.takbook.com

به عنوان نخستین سنگ بنای انحراف در تاریخ طبیعی، ملی و منطقه‌ای جهان باستان به آن اشاره کنیم (پورپیرار، ۱۳۷۹: ص۴۰).

همانطور که از متن بر می آید سنگ نوشته بیستون در اینجا «سند بی خدشه»ای دانسته می‌شود که نخستین سنگ بنای انحراف در تاریخ باستان است پس بدین ترتیب کتیبه بیستون مورد استناد جناب پورپیرار قرار گرفته است، استنادات پورپیرار به کتیبه بیستون به اینجا ختم نمی‌شود، او در در وبلاگش می‌نویسد:

کتیبه بیستون ،پورپیرار(۲۱ فروردین ۱۳۸۶)

*«تصویر بالا [اشاره او به تصویر کتیبه بیستون] گرچه فقط ۹ برگ دارد، اما کتابی است که بیش از تمام وراجی‌های تاکنون، ماجرا و موجودیت هخامنشیان جانور منش را روشن می‌کند و **تاریخ درست و بی نقاب و بی دروغ ایران کهن** را باز می گوید (پورپیرار، ۲۱فروردین ۱۳۸۶).*

*اینک به بررسی خود باز گردم و به ادامه ی تحلیل حالات آدمیان ثبت شده در صف اسیران در کتیبه‌ی بیستون بپردازم که **عالی‌ترین مدرک شناخت بنیان مسائل و موضوعات پیش آمده در عهد هخامنشیان** و نیز پیش زمینه‌ی استوار و آماده‌ای در اثبات رخ داد پلید پوریم است (پورپیرار، همان).*

چنانکه مشاهده می‌شود پورپیرار بارها و بارها به این کتیبه بیستون رجوع کرده و آن را «سند بی خدشه»، «عالی ترین مدرک شناخت بنیان مسائل و موضوعات پیش آمده هخامنشیان» و همچنین گوینده «تاریخ درست و بی نقاب و بی دروغ ایران کهن» توصیف می‌کند.

اما جالب است که در کلیپ ابطال شناسنامه، همین کتیبه بیستون را که پیشتر پورپیرار، سندی تاریخی درست و بی نقاب، سندی بی خدشه و عالی ترین مدرک می‌دانست به یکباره جعلی، دروغین و ساخته

www.takbook.com

شده در یک صد سال گذشته معرفی می‌کند!! این بسیار شگفت انگیز است که جناب پورپیرار چطور در چندین جلد کتاب و مقاله به کتیبه‌ای استناد کردند که خود ایشان مدعی جعلی و دروغین بودن آن هستند!! آیا استناد به سندی که خود مدعی جعلی بودنش هستند کاریست منطقی؟! باری اگر فرض کنیم جدیدا نظر ایشان نسبت به این کتیبه عوض شده است پس دسته کم تمامی استنادات پیشین جناب پورپیرار به کتیبه بیستون در چندین و چند مقاله و کتاب ایشان را بایستی **باطل** کرد!!

شمار ایالت‌های هخامنشی

در کلیپ ابطال شناسنامه و در توضیح و تفسیر کتیبه بیستون ادعا می‌شود که در این کتیبه گفته شده که هخامنشیان بر ۱۲۷ ایالت حکم رانده اند (نگاه کنید به کلیپ ابطال شناسنامه، دقیقه ۴ تا ۵) این سخن کلیپ ابطال شناسنامه به وضوح نادرست است چراکه در هیچ کجای کتیبه بیستون هخامنشیان قلمرویی با ۱۲۷ ایالت ندارند (لوکوک، ۱۳۸۹: صص ۲۱۶-۲۵۵).

مبدا تاریخ ایران

جناب پورپیرار در مورد مبدا تاریخ ایران می‌گوید:

> *و میگویند این مربوط است به ۲۵۰۰ سال پیش و اینجا آغاز تاریخ و تمدن مردمی است که اینک در این سرزمین ایران نام در اینجا آنجا شمال جنوب شرق و غرب زندگی می‌کنند (نگاه کنید به کلیپ ابطال شناسنامه، دقیقه ۵ تا ۶).*

این سخن نیز کاملا نادرست است چراکه هیچ مورخ و باستان‌شناسی مبدا تاریخ ایران را ۲۵۰۰ سال و شروع دوران هخامنشان ذکر نکرده اند. بلکه همگی مورخین در تاریخی بس فراتر از این دوران بر ایران اتفاق نظر دارند. اما چون اطلاعات ما از قبل از هخامنشیان اندک است بیشتر به این دوره تاریخی پرداخته شده است.

www.takbook.com

نقل قول ادعای جعلی بودن بیستون از کلیپ ابطال شناسنامه

تهیه کنندگان این کلیپ برای نشان دادن قلابی بودن کتیبه بیستون ما را دعوت می‌کند تا به عکسی قدیمی که به ادعای آن ها «**در ۱۹۱۳ یعنی تقریبا یا دقیقا ۱۰۰سال پیش برداشته شده**» توجه کنیم (نگاه کنید به کلیپ ابطال شناسنامه، دقیقه ۵ تا ۷).

اثبات خواهیم کرد که این تصویر، تصویر واقعی است، و نخستین وضعیتی است که در این کتیبه بیستون بر روی اون سنگ وجود داشته، هفت نفر آدم اند که گردنشان در طناب است، نه از اون داریوش خبریست و نه از محافظینش نه از اون اسیری که زیر پای داریوش خوابیده نه اون به اصطلاح اهورا مزدای بالدار و نه یک سطر و نه یک کلمه و یک حرف نوشته در این کتیبه بیستون (نگاه کنید به کلیپ ابطال شناسنامه، دقیقه ۶ تا ۸)

نمایش هفت نفر در عکس (کلیپ ابطال شناسنامه)

کسانی آمده‌اند در این چند تا تصویر سنگی و در این نقش برجسته‌ها با بحث‌هایی که بعدا به آن اشاره کاملی خواهیم کرد تصرفاتی کرده‌اند ما قدم اول این تصرفات را به شما نشان می دهیم (نگاه کنید به کلیپ ابطال شناسنامه، دقیقه ۷ تا ۸).

www.takbook.com

این تصویری است که ما در بیستون امروز پس از آن تصویر اولیه متعلق به سال ۱۹۱۳ پیدا کردیم و در گالری آرتور سالکلر وجود داره که عکس قبل هم در گالری آرتور سالکلر وجود داشت، و از آن جا استخراج شده، چنانچه می‌بینید کوشش شده که در آن صحنه قبلی یک اضافاتی را بتراشند که در صدر این اضافات خود داریوشه و دو تا محافظشه و این ابتدا و یا اواسط کندن اون پرنده سنگی است که این روز ها اهورامزدا خوانده شده، اینجا می‌بینید که این اهورا مزدا هنوز کار های کلیش نشده و نیمه کاره است در عین حال هم شما در اونجا نمی‌بینید که کتیبه‌ای بوده باشه یعنی آن متون شلوغی را که نمای امروزین بیستونه در اینجا نمی‌بینید اینجا فقط چند تا آدم اند که ایستاده‌اند که قبلا هم تا هفت نفرشان بوده‌اند دو سه نفر بهشون اضافه شده‌اند از اسیرها بعد خود داریوش اضافه شده و آغاز به صورت نقش برجسته در آوردن چیزیست که ما اهورامزدا امروز به ما معرفی می‌کنند که خدای زرتشتی هاست ظاهرا (نگاه کنید به کلیپ ابطال شناسنامه، دقیقه ۸ تا ۱۰).

آیا کتیبه بیستون جعلی است؟ (بررسی و پاسخ)

در مورد ادعای نخستین این کلیپ مبنی بر آنکه عکس ابتدایی نشان داده شده نخستین عکس از مجموعه بیستون است ابتدا باید دانست که این عکس آیا همانطور که این کلیپ ادعا می‌کند در سال ۱۹۱۳ گرفته شده؟ چه کسی این عکس را گرفته؟ و در کجا منتشر شده؟

با رجوع به گالری آرتور سالکلر یعنی همان گالری مورد استناد این فیلم متوجه شدیم که تاریخ گرفته شدن عکس به صورت بازه زمانی مشخص شده بود که بر اساس مندرجات توضیحات عکس این تصویر بین سال های ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۳ گرفته شده است (مندرجات عکس، collections search center). حال نمی‌دانیم بر اساس چه معیار و سندی سازندگان این فیلم عکس مورد استنادشان را دقیقا متعلق به ۱۹۱۳ می‌دانند؟

www.takbook.com

بر اساس اطلاعات درج شده در این گالری دکتر ارنست هرتسفلد (Herzfeld, Ernst 1879-1948) عکاس این تصویر می‌باشد. دکتر هرتسفلد در این گالری عکس دیگری با کد ۱۵۴۸ از کتیبه بیستون دارد که تاریخ گرفته شدن آن نیز همچون عکس پیش بین سال های ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۳ گزارش شده است (مندرجات عکس، collections search center) .

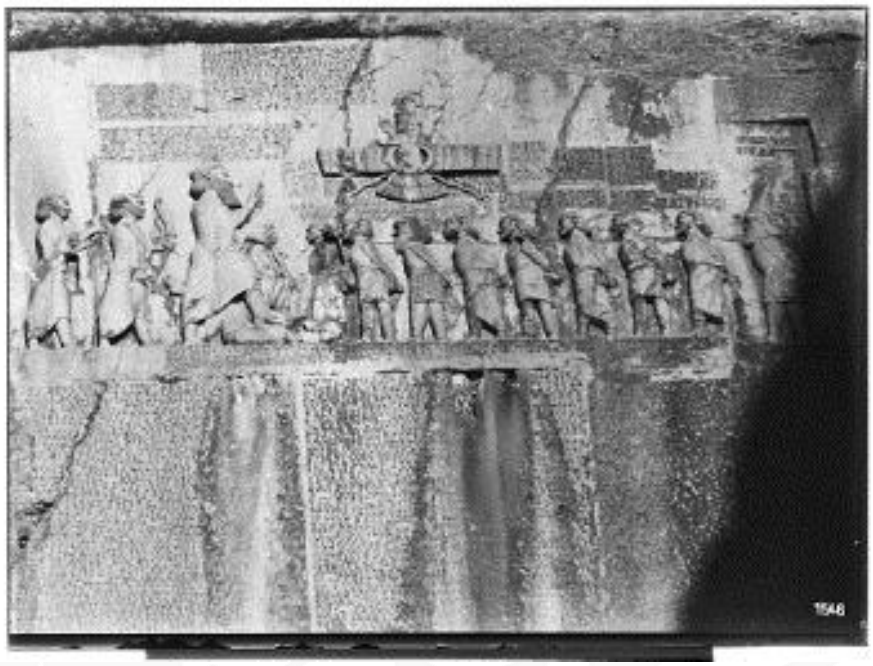

عکس دکتر هرتسفلد از کتیبه بیستون با کد ۱۵۴۸ «این عکس در بین سال های ۱۹۱۳تا۱۹۲۳ گرفته شده» (سایت موسسه collections search center)

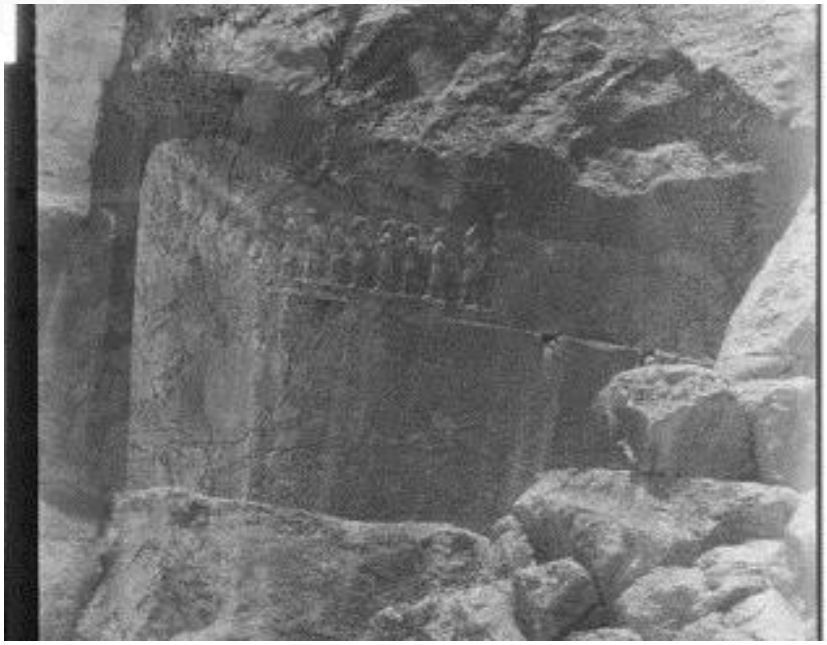

عکس مورد نظر پورپیرار، عکاس دکتر هرتسفلد (کد عکس: ۱۵۴۹ زمان ثبت عکس بین سال های ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۳ گزارش شده) (سایت موسسه collections search center) با توجه به کد عکس‌ها می‌توان گفت این عکس پس از عکس پیشین گرفته شده است.

www.takbook.com

حال اگر بپذیریم به دلیل نا معلومی عکس مورد نظر پورپیرار دقیقا مربوط به سال ۱۹۱۳ است این را هم باید بپذیریم که این عکس دیگر دکتر هرتسفلد که در همان گالری قرار دارد و در همان بازه زمانی برداشته شده است هم دقیقا مربوط به سال ۱۹۱۳ است.

البته به نظر می‌رسد کدهایی که دکتر هرتسفلد بر روی عکس‌هایش قرار داده به ترتیب زمان برداشت و ثبت عکس باشد، این عکس دکتر هرتسفلد با کد ۱۵۴۸ قبل از عکسی گرفته شده که با کد ۱۵۴۹مورد استناد پورپیرار است. در نتیجه ادعای پورپیرار مبنی بر آنکه عکس ارائه شده توسط او نخستین عکس و نشان دهنده حالت اولیه کتیبه بیستون است به کلی زیر سوال می‌رود.

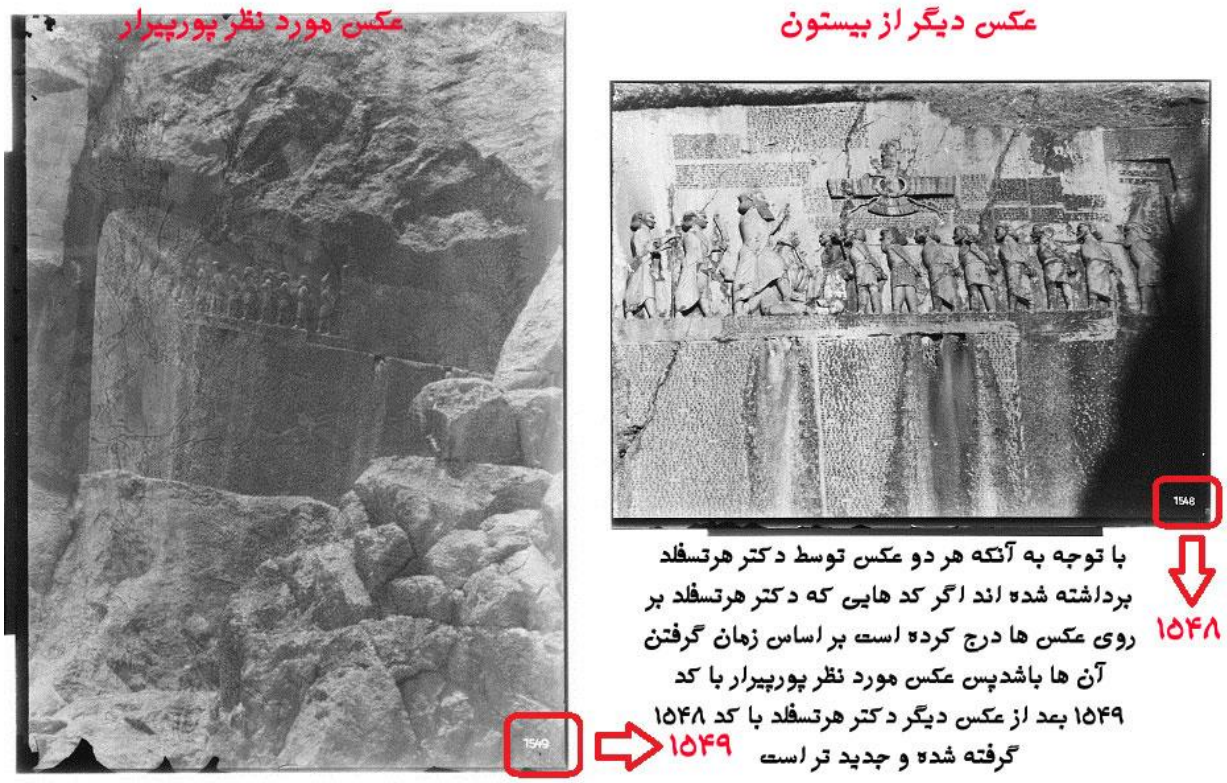

مقایسه دو عکس دکتر هرتسفلد با کد های ۱۵۴۸و۱۵۴۹ که زمان ثبت هر دو عکس را بین سال های ۱۹۱۳تا۱۹۲۳ گزارش کرده اند

در عکس دکتر هرتسفلد با کد ۱۵۴۸با حال امروزین خود هیچ تفاوتی ندارد. هم داریوش و سربازانش سر جای خود هستند و هم اسیران و هم کتیبه‌ها و نشان فروهر.

اما چرا نیمه دیگر کتیبه بیستون در عکس باکد ۱۵۴۹ دیده نمی‌شود؟ پاسخ این سوال با دقت در عکس مورد نظر حاصل می‌گردد. اگر با دقت به عکس نگاه کنیم **خواهیم دید که نیمی از عکس مورد نظر آسیب دیده و سفید شده است.**

www.takbook.com

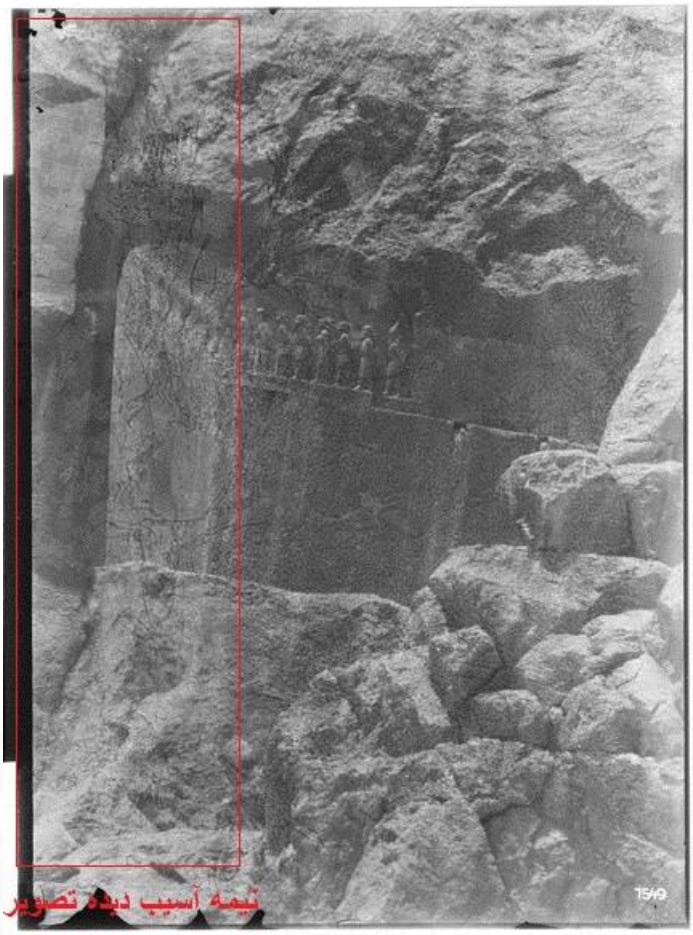

برای بررسی هرچه بیشتر این آسیب دیدگی شاید بهتر باشد به سایت گالری مراجعه و عکس را در بالا ترین کیفیت مشاهده کنید که در اینترنت موجود است (ن.ک: goo.gl/imJEXW).

با مشاهده عکس باکیفیت و بزرگ کردن بر روی نقش اسیران متوجه اشتباه دیگر پورپیرار می‌شویم. بر خلاف شمارش نادرست جناب پورپیرار **نه هفت نفر بلکه هشت نفر در عکس قابل مشاهده‌اند** به نظر می‌آید به دلیل آسیب دیدگی عکس، جناب پورپیرار نتوانسته آن یک نفر دیگر را که در مرز این آسیب دیدگی قرار دارد را تشخیص دهد. همانطور که در عکس مشخص است **آسیب دیدگی از سمت راست به چپ در حال افزایش است و وضوح و کیفیت تصویر کاهش پیدا می‌کند و جای خود را به سفید شدگی عکس می‌دهد.**

www.takbook.com

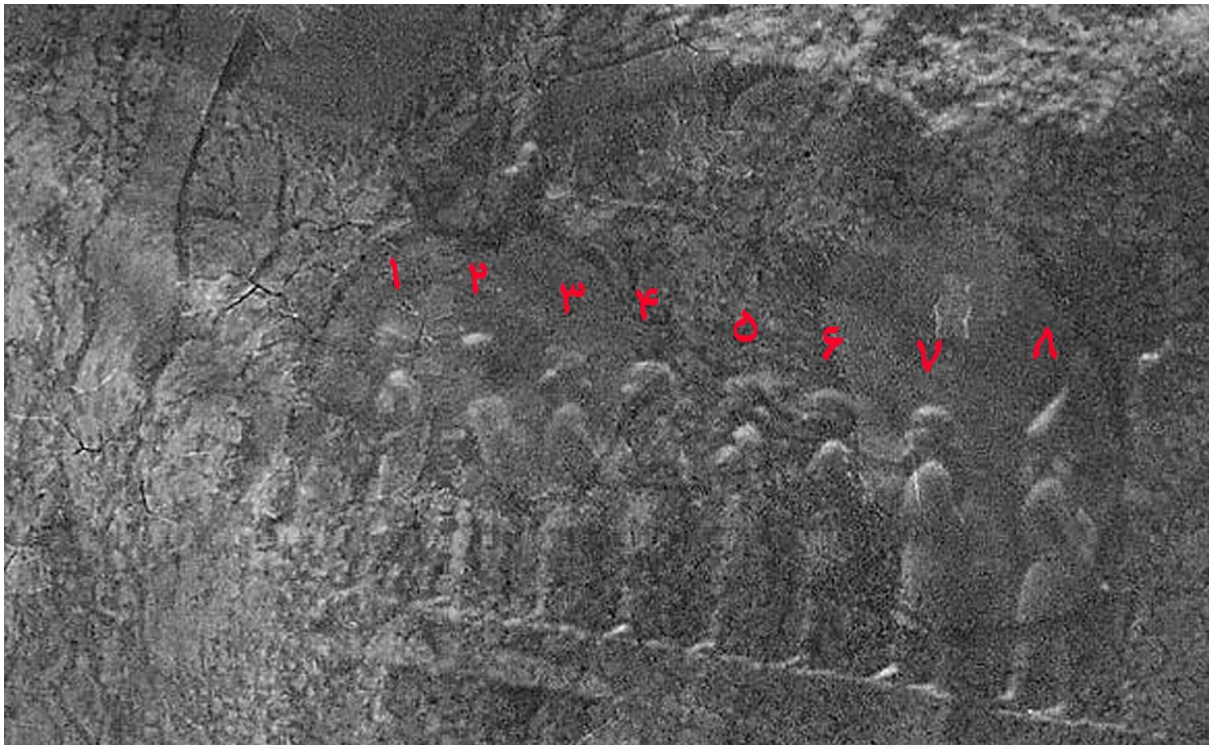

بر خلاف تصور پورپیرار در عکس دکتر هرتسفلد با کد ۱۵۴۹ هشت نفر دیده میشوند نه هفت نفر (آسیب دیدگی عکس در این بزرگ نمایی کاملا مشخص است)

ادعای دیگر این فیلم هم دیده نشدن کتیبه‌ها در عکسی است که ارائه می‌شود، ناگفته پیداست که عکس مورد اشاره ایشان بسیار کیفیت پایینی دارد و حتی نمی‌توانند جزئیات نقش برجسته‌ها را به خوبی آشکار سازند چه برسد به آنکه کتیبه‌هایی را نشان دهند که با خطی بسیار ریز نوشته شده‌اند. اندازه حروف این کتیبه‌ها به گزارش ویلیامز جکسن که در سال ۱۹۰۳ یعنی ۱۰ سال قبل از تاریخ عکس مورد نظر جناب پورپیرار(جکسن، ۱۳۶۹: ص۸) به ایران سفر کرده است، برابر با ۳,۲ سانتی متر گزارش شده است (همان: ص۲۲۶) بنا براین درخواست پدیدار بودن کتیبه‌ها در این عکس از فاصله دور آن هم با این آسیب‌ها بسیار غیر منطقی است. عکس دکتر هرتسفلد با کد ۱۵۴۸ هم از کیفیت کافی برخوردار بوده و هم از فاصله مناسب برداشته شده، به وضوح تمام کتیبه‌ها قابل مشاهده اند.

اما در اینجا تناقضات پورپیرار درباره دکتر هرتسفلد هم جالب است! جای بسی تعجب است که جناب پورپیرار به عکس هرتسفلد استناد می‌کند که پیشتر در کتابش هرتسفلد و سایر باستان‌شناسان را «متحجر»، «دروغ ساز»، «بی ارزش تر از زباله»، «حقه باز»، «دروغ گو»،«احمق» و «بی‌خرد» خوانده بود (پورپیرار، ۱۳۸۳: ص ۲۶۱).

www.takbook.com

به هر حال اگر جناب پورپیرار دکتر ارنست هرتسفلد را دروغ گو و حقه باز می‌داند شاید این عکس نیز دروغ و حقه بوده باشد!! استناد به عکسی که توسط یک حقه باز تهیه شده است بسیار عجیب و غیر منطقی است.

البته تغییر مواضع جناب پورپیرار اصلا موضوع عجیبی نیست. ایشان هر جا به نفعش بوده است از یک شخص حمایت می‌کرده و هر جا نبوده او را فریب کار و دروغ‌گو خوانده است، پورپیرار خلع شدن هرتسفلد از سمت خود که به دلیل قاچاق آثار تاریخی ایران بود را نادیده می‌گرفت و حتی در کلیپ «مجعولات مجلل» از دکتر هرتسفلد دفاع میکرد !! و مدعی بود وی را به بهانه های واهی اخراج کردند !!

باری، از کارهای پژوهشی دکتر هرتسفلد مانند دیگر باستان شناسان می‌توان استفاده کرد، آنها را تحلیل یا نقد کرد و البته نباید خطاهای نابخشودنی او را خارج از حوزه باستان‌شناسی نادیده گرفت ! اما استناد به تصاویر شخصی که پیش از این «دروغ ساز» و «بی ارزش تر از زباله» خوانده شده، تناقضی است که دوگانگی رفتار جناب پورپیرار در برخورد با مسائل را نشان میدهد.

کتیبه بیستون در نقاشی‌های قدیمی

نکته بعدی از سخنان پورپیرار که باید بدان پرداخته شود آن است که او ادعا می‌کند که قبل از ۱۰۰ سال پیش یا به عبارت دیگر از ۱۹۱۳ به قبل نه داریوشی بر روی صخره‌ها بوده نه فروهر و نه اسیران!

سیاحانی که در قرون گذشته از این سنگ نوشته بازدید کرده‌اند از آن تصویرهایی نیز تهیه کردند. یکی از این افراد اوژن فلاندن است که در ۲۱ اکتبر ۱۸۴۰ به ایران سفر کرده است (طالبیان، ۱۳۹۳: ص ۳۳) اوژن فلاندن از خود سفرنامه‌ای به جای نهاده و در این سفرنامه خود کتیبه بیستون را نقاشی کرده است.

www.takbook.com

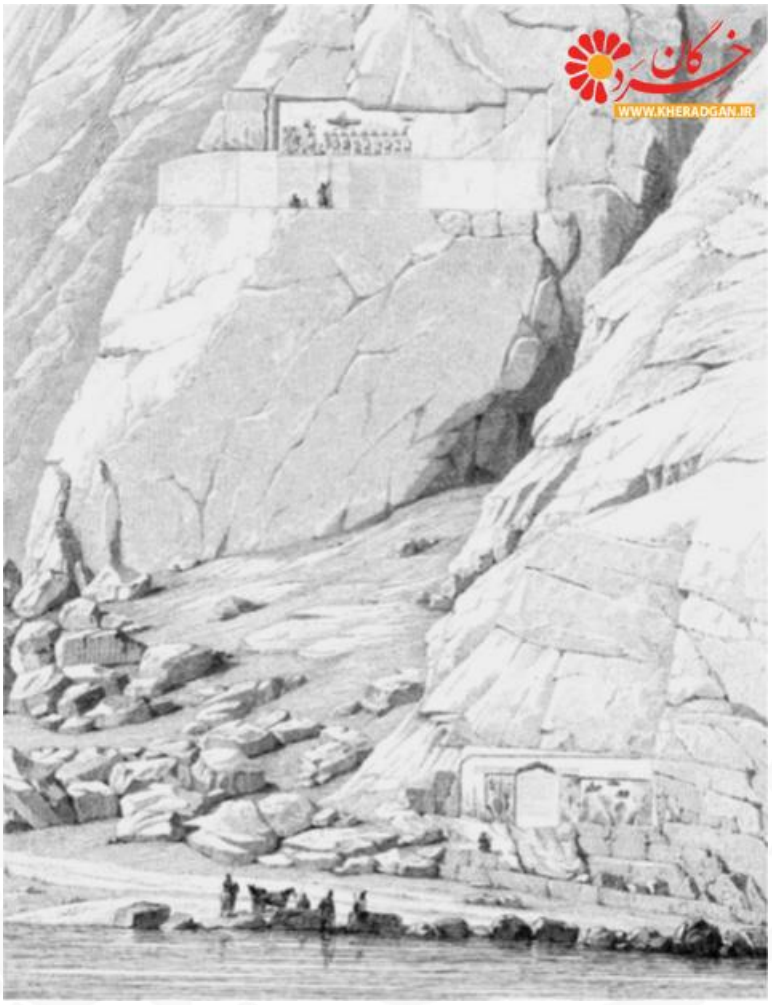

عکس برگرفته از کتاب سفرنامه اوژن فلاندن به ایران

بزرگ نمایی:

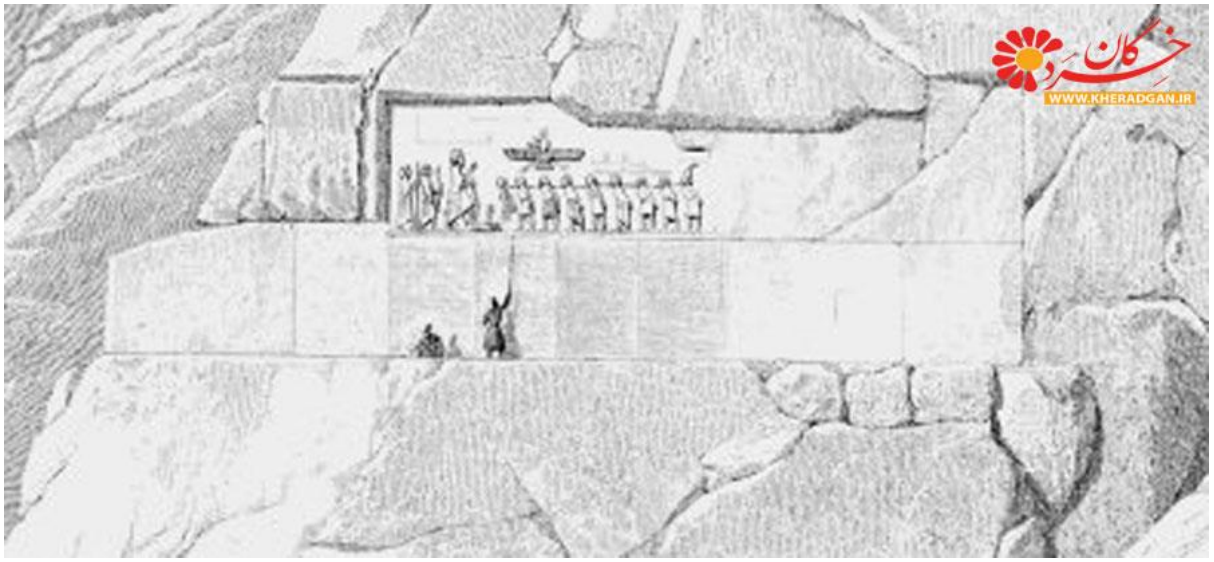

عکس برگرفته از کتاب سفرنامه اوژن فلاندن به ایران

www.takbook.com

نقاشی اوژن فلاندن کتیبه بیستون را با داریوش و سربازانش و نشان فروهر و اسیران نشان می‌دهد. این در حالی است که این نقاشی حدود هفت دهه قدیمی تر از عکس مورد نظر مدعیان جعلی بودن کتیبه بیستون است. حال سوال اینجاست که اگر این سربازان و داریوش و نشان فروهر در وضعیت اولیه کتیبه بیستون در سال ۱۹۱۳ وجود نداشتند پس چطور فلاندن فرانسوی هفت دهه قبل از این عکس آنها را در نقاشی خود رسم کرده است؟

فلاندن در کتاب سفرنامه خود کتیبه بیستون را اینگونه توصیف میکند:

برجستگی دیگر در زاویه‌ایاز کوه و بجائیست که دست جهال و ستمگران نتوانسته است او را آسیبی رساند. برای کپیه کردن آن باید از سنگ‌هایی چند بالا رفت. سراشیبی سنگ‌های زیرینش چنان است که وصول به مقصد را بسیار پر مشقت می‌سازد.

بطور خلاصه در این صفحه نه نفر زندانی وجود دارند که دست هایشان را از عقب بسته‌اند.بعلاوه بگردن تمامیشان زنجیر یا طنابی است که آن ها را بهم پیوسته است.لباسشان غیر متشابه و سومی دامنش حک گردیده و علائم میخی دارد.

در جلوی اسرا شخصی با تاج نمایان است که بدست چپ کمان و دست راست را بلند کرده و گویا فرمانی میدهد.در زیر پا شخصی را لگدکوب مینماید که دست‌هایش را بسوی او دراز نموده التماس و الحاح می‌کند. در عقب سرش دو نفر مستحفظ با سپر و نیزه‌اند.

در قسمت فوقانی این صفحه تصویری است با دو بال که سری به شکل فروهر دارد. وقتی در صور و حالات مختلفه این صفحه غور شود فتح یا فتوحاتی بنظر می‌آید. تا عبارت مجاورش ترجمه نشود ممکن نیست به حقیقت این تصاویر پی‌برد (فلاندن، ۱۳۵۶: ص ۱۹۵).

همچنین بنگرید به نقاشی زیر که در سال ۱۸۸۹ از بیستون کشیده شده است (اطلاعات عکس،سایتflickr) و **بیش از ۲۵ سال قدیمی تر از عکس مورد اشاره تحریفگران است.**

www.takbook.com

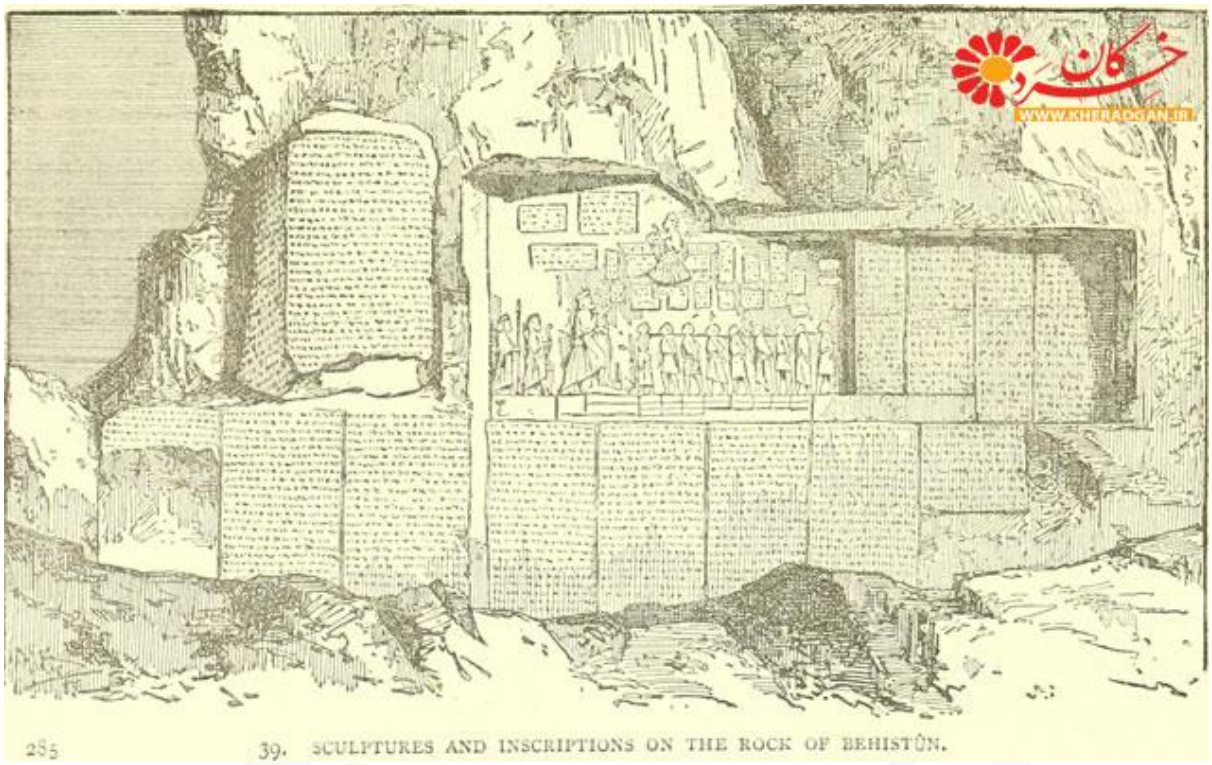

عکس برگرفته از کتاب:

Media, Babylon and Persia : including a study of the Zend-Avesta or religion of Zoroaster, from the fall of Nineveh to the Persian war (1889)

چنانکه شرح آن داده شد تهیه کنندگان این فیلم بر این عقیده هستند که کتیبه بیستون «جعل جدید» است و قدمتی کمتر از صد سال دارد، برای اثبات این ادعا به تصویری آسیب دیده و سفید شده از کتیبه بیستون استناد می‌کنند که توسط دکتر هرتسفلد برداشته شده.

جالب اینجاست که بدانید تصویر بیستون را تنها اروپایی‌هایی همچون فلاندن و کست نقاشی نکرده‌اند، بلکه **نقاشان و محققین ایرانی نیز از این کتیبه طرح هایی کشیده اند**.

برای مثال به کتاب ارزشمند «آثار عجم» نوشته «محمد نصیر فرصت حسینی شیرازی» رجوع می‌کنیم که نخستین چاپ آن در سال «**۱۳۱۴ هجری قمری**» (کتابخانه مجلس) برابر با سال ۱۲۷۵ هجری خورشیدی و **دوران حکومت مظفرالدین شاه قاجار** به عرضه عموم رسید و شمایل کتیبه بیستون را در نقاشی این کتاب می‌بینیم.

www.takbook.com

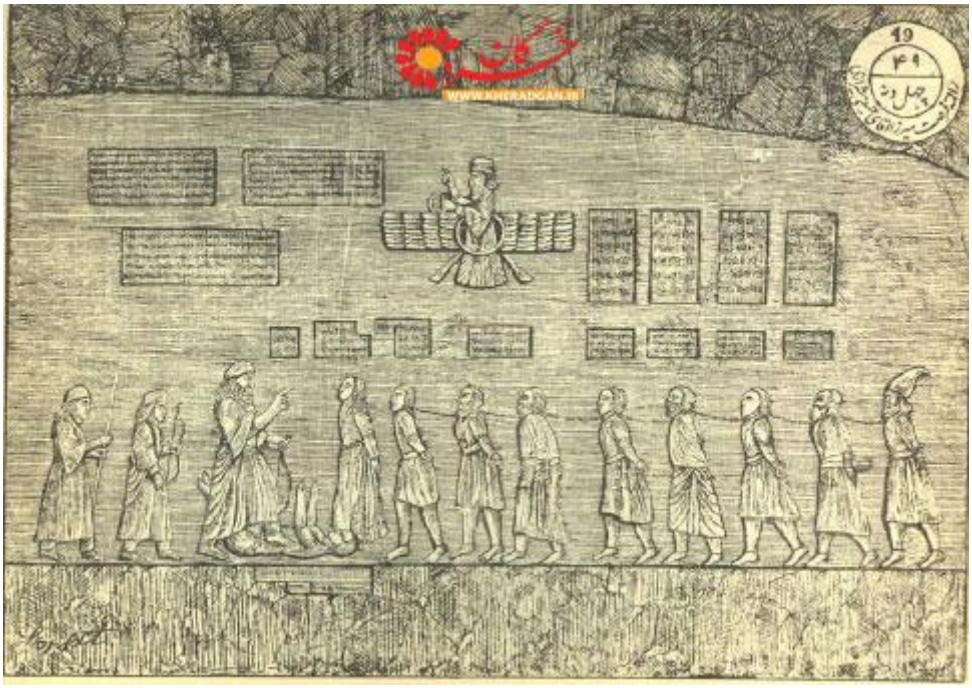

نقاشی کتیبه بیستون اثر فرصت الدوله شیرازی سال ۱۲۷۵ هجری خورشیدی بیش از ۲۰ سال قبل از عکس مورد استناد پورپیرار
(فرصت حسینی شیرازی، ۱۳۱۲-۱۳۱۳: نقاشی نمره ۴۹)

باید توجه شود که این نقاشی **بیش از ۱۷ سال** از عکس مورد استناد مدعیان که در سال ۱۹۱۳-۱۹۲۳ برداشت شده بود **قدیمی تر** است. اما با این وجود در نقاشی کتیبه بیستون با شماره ۴۹ اثر فرصت‌الدوله شیرازی این کتیبه بدون هیچ کمی و کاستی دیده می‌شود.

پورپیرار در وبلاگش نقاشی فلاندن و نقاشی سر راولیسون را که در سال ۱۸۳۵ رونوشت‌هایی از بیستون برداشته است را کنار هم قرار می‌دهد و می‌نویسد:

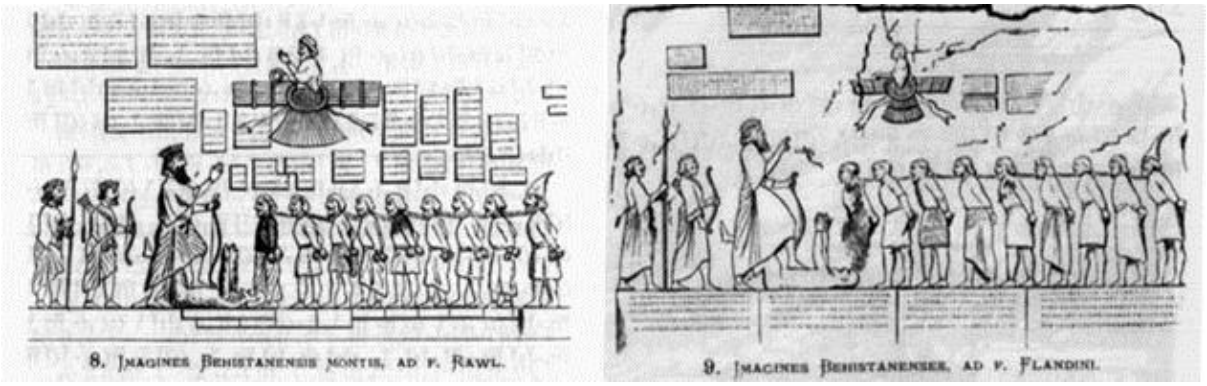

نقاشی سمت چپ اثر راولینسون متعلق به سال ۱۸۳۵ و سمت راست متعلق به فلاندن مربوط به سال ۱۸۴۰ (پورپیرار: ۶ مهر ۱۳۸۹)

www.takbook.com

رسامی بالا در سمت راست، اثر فلاندن و سمت چپ آن حاصل دیدار راولینسون از بیستون است و گرچه با فاصله زمانی اندکی از یکدیگر رسم شده اند، اما در نمایش خرده کتیبه‌های فراز تابلوی داریوش، قرابتی با یکدیگر ندارند. اگر محققی تنها با اتکاء بر همین دو رسامی مدعی شود که در زمان فلاندن هنوز خرده متن‌های معرفی اسیران به زبان فارسی باستان، حک نشده بود، عامل و امکان رد نظر او در اختیار کسی نیست (پورپیرار، ۶ مهر ۱۳۸۹).

ایشان ادعا می‌کند که چون محل و اندازه کتیبه‌ها در دو نقاشی با یکدیگر متفاوت است پس کلا در بیستون کتیبه‌ای وجود نداشته ! و بعدا حک کرده اند! که به واقع ادعایی دور از عقل و منطق و نادرست است. اتفاقا برعکس وجود کتیبه‌هایی در هر دو نقاشی اثبات می‌کند که در اینجا کتیبه‌هایی وجود داشته هرچند که به سبب خام دستی نقاش ممکن است مکان و اندازه آنها دقیق کشیده نشده باشد.

باید به یاد جناب پورپیرار آورد که تصاویری که کنار هم قرار می‌دهند نقاشی هستند نه عکس، قطعا دو نقاش هرچه قدر هم که ماهر باشند در ترسیم یک منظره واحد تفاوت‌هایی قابل توجه خواهند داشت. توجه به جزئیات و اندازه‌ها ممکن است از سوی فردی بیش از دیگری باشد و همه اینها مربوط به نقاش و مهارت اوست.

به نظر می‌رسد جناب پورپیرار سفرنامه فلاندن یا کتاب آثار عجم فرصت‌الدوله شیرازی را که به وضوح حاوی نقاشی‌ها و توصیفاتی از بیستون هستند را مطالعه نکرده اند (فلاندن، ۱۳۵۶: ص ۱۹۵) همچنین سر هانری راولینسون نیز رونوشت‌هایی از این کتیبه‌ها به منظور مطالعه و بررسی تهیه کرده بودند (سامی، ۱۳۹۲: صص ۲۵۳-۲۵۵) ویلیامز جکسن نیز که حداقل ده سال قبل از عکس مورد استناد پورپیرار به کرمانشاه سفر کرده بود شرح کاملی از بیستون را در کتابش می‌آورد (جکسن، ۱۳۶۹: صص۲۱۷-۲۴۴).

بیستون در گزارش‌های دوران اسلامی

در دوران اسلامی اشاره به بیستون در میان جغرافی‌دانان و سیاحان بسیار آمده است، اما متاسفانه توصیف‌ها معمولا مبهم بوده‌اند و اکثرا شکل خود کوه را گزارش کرده اند اما در میان آنها توصیفاتی هم پیدا می‌شوند که شکل سنگ نگاره‌های پایین کوه را گزارش کرده باشند. اشاره به سنگ نگاره داریوش به دلیل آنکه در ارتفاعی بالاتر و غیر قابل دسترس‌تر قرار دارد حتی از نگاره‌های پایین کوه نیز کمتر است (جلیلیان، ۱۳۹۱: صص ۲۰-۲۵)، با این همه با مطالعه آثار سیاحان دوره اسلامی یک گزارش بسیار با ساختار کتیبه بیستون هماهنگی دارد. کهن ترین توصیف سنگ نگاره بیستون در منابع اسلامی، در کتاب مختصرالبلدان که در ۲۹۰ هجری قمری نوشته شده است دیده می‌شود، این کتاب که توسط ابو عبدالله احمد بن محمد بن فقیه همدانی،

www.takbook.com

جغرافی‌دان ایرانی سده سوم قمری نوشته شده هم کوه بیستون را همچون اهرام مصر، ایوان مدائن، تخت شبدیز و... یکی از «عجایب دنیای قدیم» خوانده و هم سروده‌ای زیبا از شاعری عرب به نام احمد بن محمد درباره نگاره طاق بستان آورده که دو بیت آن آشکارا به سنگ نگاره داریوش در کوه بیستون اشاره دارد (همان: ص ۲۲).

و مَکتَبٌ صبیان و تادیبُ غِلمَهٍ و شَیخٌ عَدِیمٌ قیل هذا مُعَلمٌ

وصَوّرَ فَطّوسٌ علی الطاق نفسَه علیه جناحا طائرٍ لا یُحَومُ

(همان: ص ۲۳)

دکتر جلیلیان در توضیح این شعر می‌نویسد:

گویا رهگذران، از پایین کوه بیستون نگاره‌های «شاهان دروغین» را که آشکارا کوچک تر از نگاره داریوش ساخته شده‌اند، کودکانی دانش آموز می‌انگاشته‌اند و داریوش هم که در چشم آنان همچون آموزگاری سالخورده بوده است.

اشاره شاعر عرب به فطوس، هنرمند اسطوره‌ای رومی که آن را پدید آورنده این سنگ نگاره می دانسته‌اند، جای تامل دارد.چنین می‌پنداشتند که فطوس، نگاره خود را با دو بال همچون بال پرندگان کشیده است، شرح شاعر عرب شاید این گمان را پدید آورد که وی اشاره به دو فرشته با بال‌های گشوده در دو زاویه نمای بیرونی طاق بستان داشته است. نه نگاره مرد بالدار [فروهر] در سنگ نگاره داریوش، دو فرشته‌ای که، دست چپ خود را روی سینه نهاده و با دست راست، حلقه‌ای را با نوار آویخته گرفته اند. با این همه پوشش و بدن آشکارا زنانه فرشته ها، و اینکه دو فرشته هستند و نه یکی و مهم تر اینکه توصیف درباره این نگاره در کنار وصف معلم و کودکان بیان شده است، نشان می‌دهد که این بخش از سروده شاعر عرب باید اشاره به سنگ نگاره مرد بالدار [فروهر] بیستون باشد» (جلیلیان، ۱۳۹۱: ص ۲۳).

www.takbook.com

ابن حوقل نیز از سنگ نگاره آموزگار و شاگردان در بیستون یاد کرده است (جلیلیان، ۱۳۹۱: صص ۲۳-۲۴) با توجه به این روایات اسلامی نیز شکل سنگ نگاره بیستون در زمان گزارش این رهگزران یعنی سال ۲۹۰ هجری قمری درست به شکل امروزین آن بوده و از آن تاریخ تا کنون هیچگونه دخل و تصرفی در این نگاره ها صورت نگرفته است.

در ادامه کلیپ ابطال شناسنامه سازندگان آن ادعا می‌کنند که افراد جاعل آمده‌اند و اشتباها به جای نشان اهورامزدا [فروهر] برای ما روی کتیبه بیستون نشان هوروس مصری کنده‌اند (نگاه کنید به کلیپ ابطال شناسنامه، دقیقه ۹ تا ۱۴) این گفتار جناب پورپیرار برپایه همان نظریه نوکنده بودن کتیبه بیستون در ۱۰۰ سال اخیر است که مورد بررسی قرار گرفت و نقاشی‌هایی نیز در این زمینه ارائه شد. باید از مدعیان جعل بیستون پرسید که آیا این جاعلین که میخواسته‌اند به قول جناب پورپیرار تاریخی جدید برای ایران تدوین کنند به خود زحمت یک مسافرت به تخت جمشید را نداده اند؟ در پارسه به وفور می‌توان نشان فروهر پیدا کرد که اتفاقا در طرح‌های سیاحان از قرن‌ها پیش که از تخت جمشید بازدید کرده‌اند نیز آمده است و نیازی نبوده تا اشتباها نشان هوروس مصری بر بیستون بکنند!!

نشان فروهر تخت جمشید ، نقاشی از اوژن فلاندن ۱۸۴۰

www.takbook.com

پاسخ به دیگر ادعا ها درباره کتیبه بیستون

کلیپ ابطال شناسنامه (نقل قول):

ما نشانه‌های کافی در این باب که این کتیبه و این تصاویر بخشیش، یعنی بخشی از تصاویر و تمام کتیبه‌ها و نوشته‌ها کار جدیدیست، به اندازه کافی در اثباتش عدله دیداری فراوان داریم، به عنوان نمونه این سنگ سمت چپ یعنی پشت سر داریوش که یک صخره کاملا نتراشیده و کاملا مضرس و سطح غیر صاف که قابل کتیبه کندن نیست را در این عکس می‌بینید دورش یک کادر قرمز انداختم که به طور وضوح معلوم شه که از کدوم تخته سنگ صحبت میکنیم (نگاه کنید به کلیپ ابطال شناسنامه، دقیقه ۱۳ تا ۱۵).

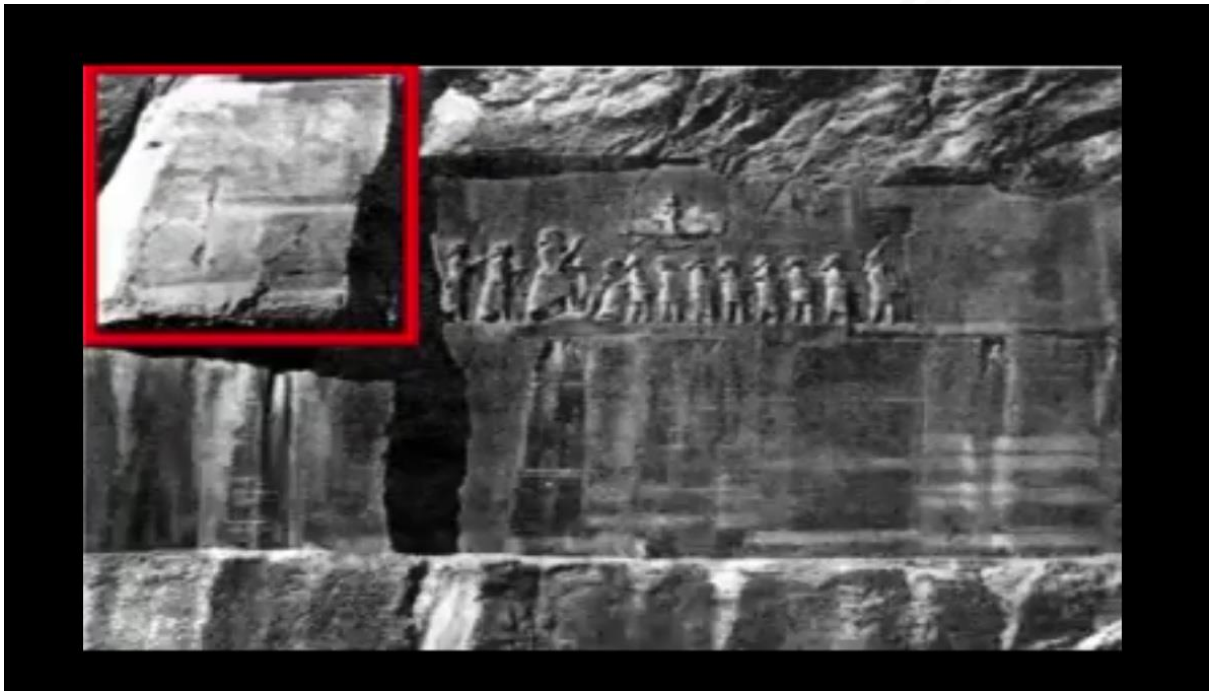

(کلیپ ابطال شناسنامه)

این تخته سنگ هم به عنوان یک برگه جعل خودش داستان خودش رو داره شما به عکس بعدی توجه کنید (نگاه کنید به کلیپ ابطال شناسنامه، دقیقه ۱۴ تا ۱۵).

www.takbook.com

(کلیپ ابطال شناسنامه)

حالا همون تخته سنگ را دارن روش کار میکنن مقدار زیادی از برجستگی ها و گودی هاش کم کردن و یک تراش اولیه بهش دادن و سطحش نسبت به عکس قبلی تا حدود زیادی صاف تره، برای اینکه معلوم بشه که من به چی اشاره می‌کنم منظورم از اینکه سطح را صاف کرده اند توجه کنید که در لبه‌ی بالایی این سنگ به خاطر تسطیح این سنگ یک نوار برجسته اضافی و دارای سایه پیدا شده،این نشون میده که یک پوسته ،دو پوسته، سه پوسته اولیه از روی سنگ تراشیده شده به طوری که اون قسمت بالا به صورت یک غوز سنگی برجسته در آمده که در عکس قبل نبود (نگاه کنید به کلیپ ابطال شناسنامه، دقیقه ۱۴ تا ۱۶).

متاسفانه تهیه کنندگان این فیلم عکس هایشان را به حدی با کیفیت پایین انتخاب کرده‌اند که این «سطح غیر صاف» دیده نمی‌شود و از این منظر گویا سطح صاف است. در هر صورت سند ادعای جنابان فیلم ساز آن برجستگی بالای سنگ است که تولید سایه می‌نماید.

برخلاف این ادعا در عکس‌ها این برجستگی سنگی کاملا قابل مشاهده و آشکار است. از اولین عکس پورپیرار با کد ۱۵۴۹که او ادعا می‌کرد متعلق به سال ۱۹۱۳ و نمای نخستین کتیبه بیستون است آغاز می‌کنیم:

www.takbook.com

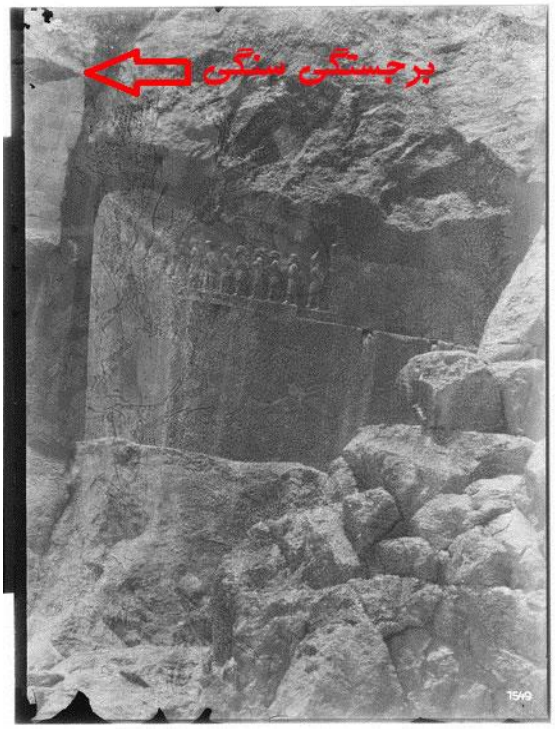

عکسی که گروه فیلم سازان در آن به دور صخره سنگی کادر ضخیمی کشیده بودند و بدین وسیله لبه بالایی سنگ را پنهان کرده بودند.

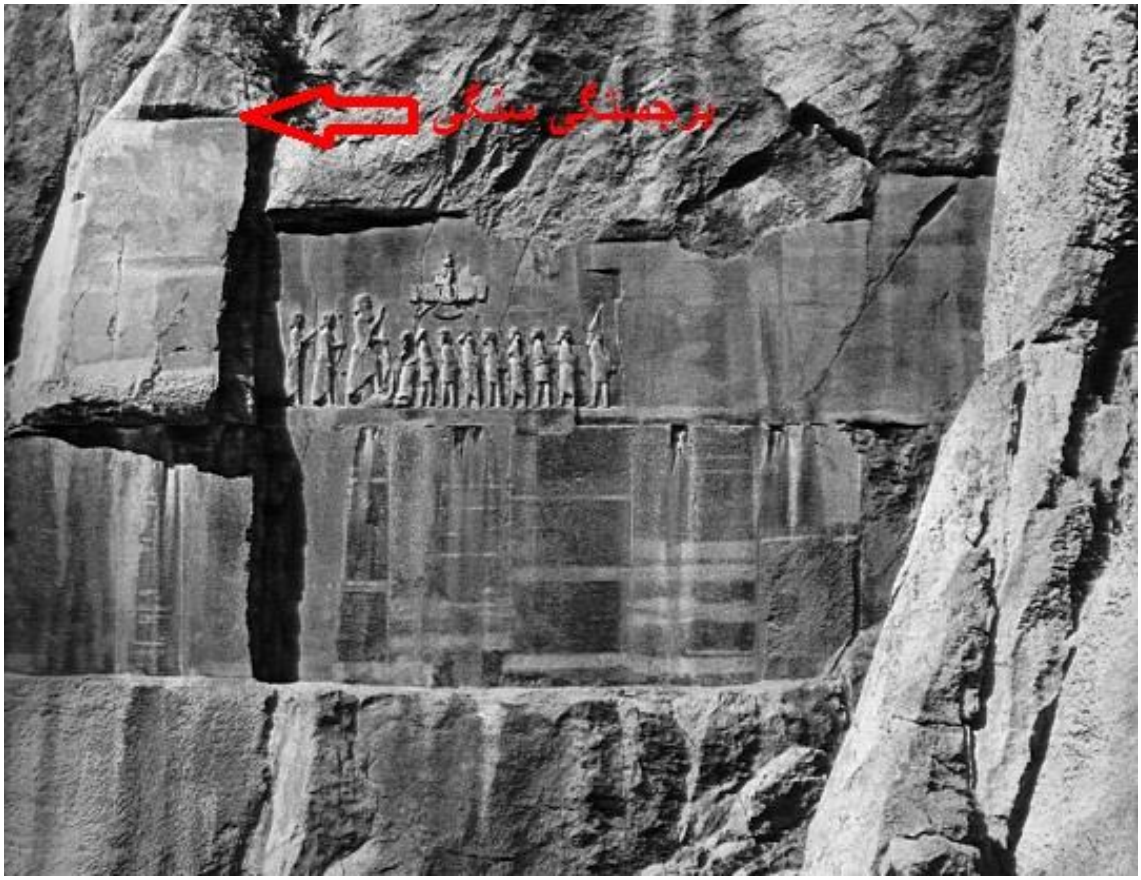

www.takbook.com

در هر دو عکس چنانکه می‌بینید سطح مورد ادعا کاملا صاف است. در ادامه جناب پورپیرار که گویا تنها کارشناس این فیلم است از بحث کتیبه بیستون خارج می‌شود و به پارسی باستان می‌پردازد.

بررسی رمز گشایی کتیبه‌های پارسی باستان

کلیپ ابطال شناسنامه (نقل قول):

از همه بد تر درست همان سال‌هایی که میگن راولینسون، یعنی همه اینها تو قرن هجدهمه، راولینسون مشغول بوده نمونه برداری کنه از کتیبه‌ها تا بعد بره بشینه خونه بخونه ما تمام این کتیبه رو در کتاب کاسوویچ می‌بینیم که کامل کتیبه‌های بیستون را در کتاب چنین گفت داریوش جناب آقای فضل الله نیک آئین می‌توانیم ببینیم.

(کلیپ ابطال شناسنامه)

کاسوویچ و راولینسون هر دو در یک دوره زمانی بودند، اگر راولینسون قراره تازه بره کپی‌هایی که از این خط میخی فارسی باستان برداشته شروع کنه با مرارت خواندن، اگر این کارو قراره بره اون بعدا بکنه پس چطوری کاسوویچ تمام این کتیبه‌ها رو داره؟ از کجا بدستش افتاده که اینجا چاپ شده؟ (نگاه کنید به کلیپ ابطال شناسنامه، دقیقه ۱۸ تا ۲۰)

www.takbook.com

بررسی و پاسخ:

باید توجه شود که پژوهش بر روی خط میخی فارسی باستان حدود **دو قرن قبل از راولینسون آغاز شده بود** سیاحان و جهانگردان بسیاری از این نوشته‌ها کپی تهیه می‌کردند تا در اروپا کشف رمز شود اولین فردی که این علائم را کپی برداشت پیترودولاواله نام دارد. دکتر سامی درباره او چنین می‌نویسد:

«نخستین سیاحی که در سال ۱۶۲۲ میلادی به این علائم برخورد و چند علامت از خطوط را برای مطالعه کپی کرد و با خود به اروپا برد پیترودولاواله (pietro Della valle) ایتالیایی بود. وی این اشکال را معرفی خطی دانست که از چپ به راست نوشته می‌شد و این اولین قدم بزرگ برای کشف خط میخی و تعقیب موضوع از طرف دانشمندان و سیاحان بعدی بود» *(سامی، ۱۳۹۲: ص۲۵۰).*

از سال ۱۶۲۲ که اولین کپی برداری از کتیبه‌های خط میخی پارسی باستان چه در تخت جمشید و چه در دیگر جاها آغاز شد تا سال ۱۸۷۲ که کاسوویچ کتاب تالیف خود را از این خط ارائه کرد **یعنی به مدت ۲۵۰ سال رونوشت‌ها و کپی‌های فراوانی به اروپا رفته بود**. اما سوال اینجاست که چرا زمانی که رونوشت‌هایی در اروپا از این کتیبه‌ها موجود بود راولینسون خود به رونوشت برداری از کتیبه‌ها روی آورد؟

با وجود اینکه پژوهش بر روی خطوط میخی فارسی باستان در حدود دو قرن پیش از او آغاز شده بود اما راولینسون که از روی علاقه شخصی خود به پژوهش بر روی این نوشته‌ها روی آورده بود **از مطالعات پیشنیان خود اطلاع چندانی نداشت**. چنان که بسیاری از باستان شناسان بدان اشاره کرده اند:

*حدود سال ۱۸۳۵ این سیاست مدار و نظامی انگلیسی در محل ماموریت خود در نزدیکی کرمانشاه سنگ نوشته بزرگ بیستون (بهستان) را یافت و از آن دوره به بعد در حالی که **فقط به صورتی مبهم در جریان کارهای انجام شده در اروپا بود**، شیفته خط میخی شد (لوکوک، ۱۳۸۹: ص ۲۳).*

*راولینسن نیز **بدون اینکه از پیشرفت سایرین در این خصوص اطلاعات کافی داشته باشد** در کوه بیستون دو سال در برابر کتیبه‌ها آویزان و مشغول کپی برداری و مطالعه بود (سامی، ۱۳۹۲: ص۲۵۳ و ص ۲۵۴).*

www.takbook.com

به دلیل **نا آشنا بودن راولینسون از تحقیقات پیشنیان** است که او از نوشت های کاسوویچ و تعداد زیادی دانشمند و سیاح که دستاوردهایی در این زمینه کسب کرده بودند استفاده نمی‌کرد بلکه خود به رو نوشت برداری و تحقیق بر روی این نوشت‌ها می‌پرداخت.

اصالت تاریخی کتیبه آرامگاه داریوش بزرگ در نقش رستم

نقش رستم مجموعه ای از بناها و آرامگاه‌های تاریخی است که در شمال شهرستان مرو دشت استان فارس در ۶ کیلومتری تخت جمشید قرار دارد و شامل آرامگاه‌های هخامنشی که در سینه کوه کنده شده و بنایی موسوم به کعبه زرتشت و نقش برجسته‌های ساسانیان می‌باشد.

یکی از آرامگاه‌های سینه کوه دارای کتیبه‌ای متعلق به داریوش بزرگ می‌باشد و از این رو آرامگاه را متعلق به داریوش دانسته‌اند.

کلیپ ابطال شناسنامه (نقل قول) :

« -آرامگاه های سینه کوه- یکیش به علت اینکه کتیبه داره و از زبان داریوش در این کتیبه حرف هایی زده شده میگن اینجا مقبره داریوشه و چون این کتیبه نمیتونه وجود داشته باشه و جزو جعلیات و حکاکی‌های جدیده پس ما اصلا این مطلب را که اینجا قبر داریوشه را هم باید بزاریم کنار و اصولا پی بردن به اینکه این مقابر نقش رستم مال چه گروه از سیاست مداران، فرمانداران یا امپراطوران در آن دوران بوده حالا که ما می‌دانیم اصولا هخامنشیانی در کار نبوده این یک تحقیقات نشانه‌شناسی و تحقیقات جدید پس از حذف جعلیات جدید

www.takbook.com

نیاز داره تا ما اصولا بفهمیم اونایی که مشغول ساختن تخت جمشید و این مقابر نقش رستم بوده‌اند هم اینجا و هم در صخره های بالای تخت جمشید اینها کی بوده اند چه دورانی بودند و چه فرهنگ و تمدنی را حاملش بودند و غیره و غیره و غیره (نگاه کنید به کلیپ ابطال شناسنامه، دقیقه ۲۵ تا ۲۷).

بررسی و پاسخ:

حال می‌بینیم که تنها کارشناس کلیپ یعنی جناب پورپیرار **به طور کل سلسله‌ای به نام هخامنشیان را منکر می‌شود و می‌گوید اصلا وجود نداشته‌اند**، این بسیار باعث تعجب است **چراکه او کتابی به نام «دوازده قرن سکوت: بر آمدن هخامنشیان» نگاشته است و در آن کتاب وجود هخامنشیان را مورد تایید قرار داده** اما گفته است که قومی وحشی بوده‌اند که یهودیان آنها را اجیر کرده بودند. ولی در اینجا کتاب خودشان را نیز که از کوروش، داریوش، بردیا، کمبوجیه و اردشیر و... سخن رانده‌اند نیز به طور کلی انکار می‌کنند. گویا هخامنشیان با آنکه به اعتقاد ایشان وجود خارجی نداشتند اما در عین‌حال بسیار وحشی و خونریز بوده‌اند!!

پس از مدتی به نظر می‌رسد جناب پورپیرار در اکتشافی تازه کل هخامنشیان را جعلی و دروغین دانشتند و مدعی نبود چنین حکومتی در تاریخ بودند، پس بایستی بسیاری از کتاب‌های ایشان همچون «دوازده قرن سکوت، بر آمدن هخامنشیان» را نیز یکسره باطل و نادرست انگاشت!!

www.takbook.com

کلیپ ابطال شناسنامه (نقل قول):

(کلیپ ابطال شناسنامه)

این تصویری را که می‌بینید شمای نه از نزدیک بلکه یک چشم اندازی از همون مقبره ایست که مقبره داریوش میگن (نگاه کنید به کلیپ ابطال شناسنامه، دقیقه ۲۶ تا ۲۷).

(کلیپ ابطال شناسنامه)

در این دیتیل از همون مقبره محدوده معینی را ملاحظه می‌کنید، ما سعی می‌کنیم این دیتیل را که درست همون جاییست که بعدها کتیبه‌ای روش پیدا شده قبل از کتیبه کندن شمای از نزدیکش را به شما نشان بدهیم. شما می‌بینید که این سنگ‌ها به کلی آسیب

www.takbook.com

دیده‌اند ترکیدن حفره‌های ناشی از گذشت زمان درشان ایجاد شده و غیره و غیره (نگاه کنید به کلیپ ابطال شناسنامه، دقیقه ۳۲ تا ۳۳).

خب وقتی به تصویر بعد نگاه می‌کنید، می‌بینید درست همونجایی که با علائم قرمز نشون دادیم که سنگ معیوبه در تصویر بعد شما می‌بینید که کتیبه است، آخه اینا چجوری یعنی این اندازه اینها فکر نکرده‌اند که یک وقتی ممکنه کسی این دو تا عکس رو بزاره کنار هم و با هم مقایسه بکنه؟ (نگاه کنید به کلیپ ابطال شناسنامه، دقیقه ۳۲ تا ۳۴).

(کلیپ ابطال شناسنامه)

بررسی و پاسخ:

تمام مدرک این گروه فیلم ساز علیه کتیبه نقش رستم نشان دادن یک عکس با کیفیت بسیار پایین از نمای دور و ادعای نبود کتیبه‌ها است!!

در این موضوع نیز عکس‌های مورد اشاره این افراد نه فاصله مناسبی دارند و نه کیفیت کافی تا آنکه کتیبه‌های آرامگاه داریوش را بنمایانند.

جالب است که جناب پورپیرار در کتاب «دوازده قرن سکوت: برآمدن هخامنشیان» بارها به کتیبه نقش رستم داریوش استناد کرده و آن را نوشته شده به دست داریوش می‌داند (پورپیرار، ۱۳۷۹: ص۸۶ و ۱۰۷) اما اکنون او به طور کلی کتیبه نقش رستم را جعلی و نوشته شده در صد سال اخیر عنوان می‌کند!

به هر ترتیب این ادعا فرض را بر این قرار داده است که در عکس نخستین او از آرامگاه داریوش کتیبه‌ای وجود ندارد و بعدها آمده‌اند و کتیبه کنده‌اند. ما نیز همین تصور را پی می‌گیریم.

www.takbook.com

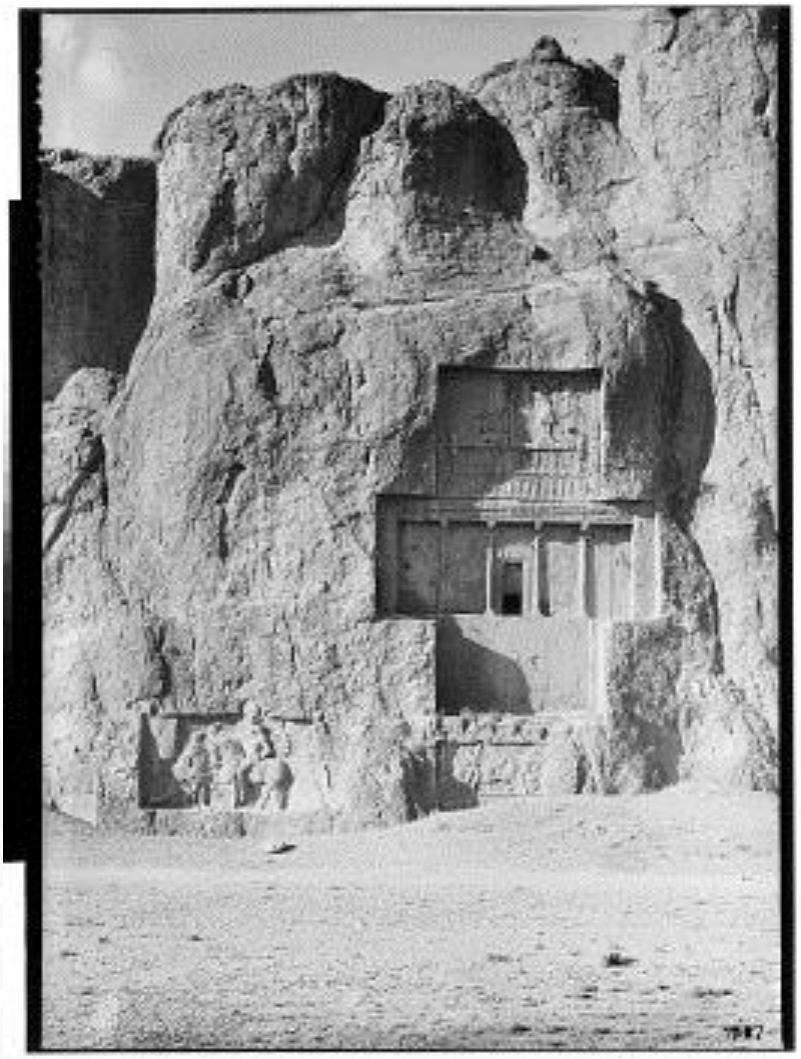

عکس دکتر هرتسفلد از آرامگاه داریوش در نقش رستم، زمان ثبت عکس بین سال های ۱۹۲۳تا۱۹۳۴ گزارش شده است (سایت موسسه collections search center)

با وجود آنکه مآخذ عکس در کلیپ ابطال شناسنامه معرفی نمی‌شود اما با جستجو در گالری‌ها دریافتیم عکس مورد استناد جناب پورپیرار بزرگ نمایی شده عکسی از دکتر هرتسفلد می‌باشد، تاریخ این عکس در مندرجات گالری مربوط به بازه زمانی **بین سال های ۱۹۲۳تا۱۹۳۴ذکر شده است** (مندرجات عکس، collections search center). پس باید تصور کرد که حداقل تا سال ۱۹۲۳ در نقش رستم هیچ کتیبه‌ای در آرامگاه داریوش قرار ندارد. بر طبق شرط عقل نیز پیش از این تاریخ هم در هیچ عکسی نباید کتیبه‌ای پیدا باشد.

حال آنکه عکاس دوران قاجار آنتوان سوروگین که یکی از سرشناس‌ترین عکاسان ایران است عکسی از آرامگاه داریوش همراه با کتیبه ارائه می‌دهد:

www.takbook.com

عکس آنتوان سوروگین از آرامگاه داریوش در نقش رستم،زمان ثبت عکس بین سال های ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۲ گزارش شده است (سایت موسسه collections search center)

www.takbook.com

در توضیحات این عکس آمده که **در بین سال های ۱۸۹۸تا ۱۹۰۲ برداشته شده** (مندرجات عکس، collections search center) حال آنکه این عکس **قدمتی حد اقل ۲۰ سال بیشتر از عکس ارائه شده توسط پورپیرار دارد.** و با کمی دقت می‌توان کتیبه را بر روی سنگ ها مشاهده کرد.

بزرگ نمایی:

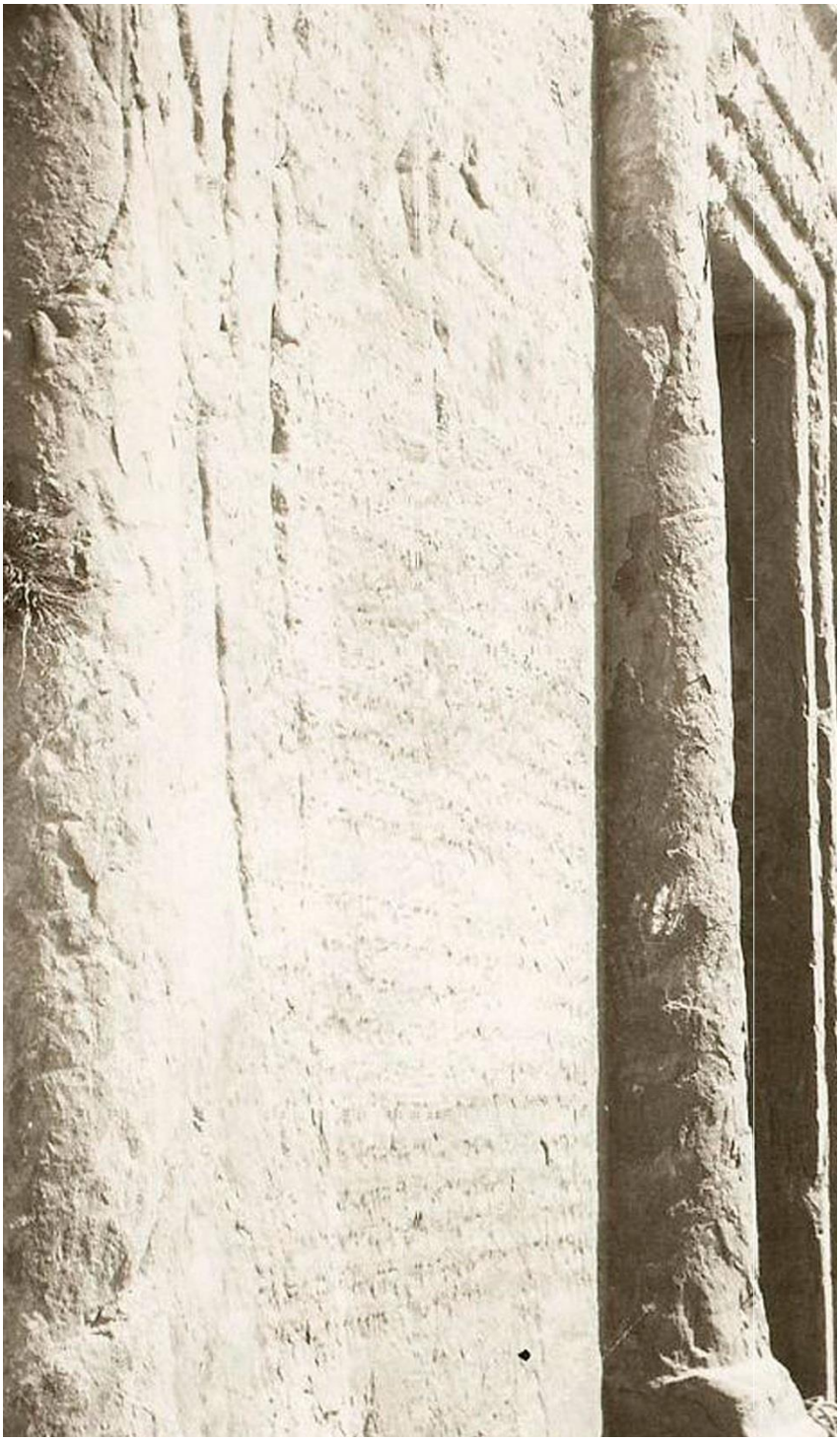

www.takbook.com

بزرگنمایی عکس آنتوان سوروگین از آرامگاه داریوش در نقش رستم،زمان ثبت عکس بین سال های ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۲ گزارش شده است«کتیبه ها در عکس قابل مشاهده هستند» (سایت موسسه collections search center)

البته برای بررسی هرچه بهتر این عکس شاید بهترین کار رجوع به گالری و مشاهده عکس باشد که در فضای اینترنت قابل دستیابی است (ن.ک: goo.gl/WTaeqb).

این نسخه عکس از آنتوان سوروگین از نوع Gelatin silver prints چاپ گردیده نسخه دیگری از نگاتیو این عکس نیز به نوع glass negative چاپ شده است که زمان چاپش مربوط به سال ۱۹۰۲ تا ۱۹۰۵ می‌باشد (مندرجات عکس، collections search center). شاید کتیبه‌ها در این چاپ جدید تر از نگاتیو وضوح بهتری داشته باشند.

www.takbook.com

عکس آنتوان سوروگین از آرامگاه داریوش در نقش رستم،زمان چاپ عکس بین سال های ۱۹۰۲ تا ۱۹۰۵ گزارش شده است (سایت موسسه collections search center)

www.takbook.com

بزرگ نمایی:

بزرگنمایی عکس آنتوان سوروگین از آرامگاه داریوش در نقش رستم،زمان چاپ عکس بین سال های ۱۹۰۲ تا ۱۹۰۵گزارش شده است«کتیبه ها در عکس قابل مشاهده هستند» (سایت موسسه collections search center)

www.takbook.com

همانطور که از عکس‌های آنتوان سوروگین که متعلق به دوران قاجار و بین سال های ۱۸۹۸ تا ۱۹۰۲ میلادی می‌باشد کتیبه‌ها بر روی آرامگاه داریوش قرار دارند و هیچ گونه جعلی صورت نگرفته است.

سخن پایانی

در این نوشتار سعی شد تا با ارائه اسناد و تصاویر به بررسی و نقد بنیان ادعای جعلی بودن کتیبه بیستون و نقش رستم بپردازیم. استناد مدعیان از جمله جناب آقای ناصر پورپیرار که خود وی این ادعاها را برای اولین بار مطرح کرد تنها به یک عکس آسیب دیده بود که نشان دادیم این عکس فاقد کیفیت و فاصله مناسب برای اثبات ادعاهای ایشان است و حتی در همان گالری و با کد قبل از عکس آسیب دیده، تصویر نقش برجسته‌ها و کتیبه‌های بیستون به صورت کامل دیده می‌شود و به نظر می‌رسد مربوط به پیش از تصویر آسیب دیده است. در ادامه برای آنکه جای شبهه‌ای درباره اصالت تاریخی این میراث گران بهای گذشتگان باقی نماند نقاشی‌هایی قدیمی از کتیبه بیستون در منابع ایرانی و اروپایی ارائه شد و همه آنها گواهی روشن بر اصالت و قدمت این سند تاریخی و نادرستی ادعای جعلی بودن بیستون بودند.

در مورد کتیبه‌های نقش رستم و ادعای جناب پورپیرار مبنی بر جعل این کتیبه‌ها با ارائه عکسی قدیمی‌تر از عکس مورد استناد ایشان نشان داده شد که گفتار جعلی بودن کتیبه‌های هخامنشی به هیچ عنوان ریشه در حقیقت ندارد و به نظر می‌آید مدعیان جعلی بودن این آثار این ادعاها را بیشتر از روی غرض ورزی مطرح می‌کنند.

شناسنامه نوشتار:

شهرکی، کوروش (۱۵بهمن۱۳۹۵). «آیا کتیبه های بیستون و نقش رستم جعلی است؟». پایگاه خردگان. نشانی رایاتاری:

http://kheradgan.ir/?p=15434

بن‌مایه‌ها و یاری‌نامه‌ها:

پورپیرار، ناصر (۱۳۷۹). *دوازده قرن سکوت: برآمدن هخامنشیان*. تهران: انتشارات کارنگ.

پورپیرار، ناصر (۱۳۸۳). *دوازده قرن سکوت: بخش سوم ساسانیان. قسمت دوم پیشینه های ناراستی*. تهران: کارنگ.

پورپیرار، ناصر (۶ مهر ۱۳۸۹). «ایران شناسی بدون دروغ، ۲۸۴، نتیجه ۹۲، کتیبه های بیستون، ۴». نارنیا. نشانی رایاتاری: http://www.naria.info/view/1.aspx?id=681

پورپیرار، ناصر (۲۱ فروردین ۱۳۸۶). «ایران شناسی بدون دروغ ۵۰». نارنیا. نشانی رایاتاری: http://www.naria.info/view/1.aspx?id=202

www.takbook.com

جکسن،ویلیامز (۱۳۶۹). *سفرنامه جکسن*. ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره ای. تهران: انتشارات خوارزمی.

جلیلیان، شهرام (۱۳۹۱). *بیستون*. تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.

سامی، علی (۱۳۹۲). *تمدن هخامنشی*. جلد اول. تهران: انتشارات سمت.

طالبیان عبدالحسین (۱۳۹۳). *تخت جمشید در تاریخ معاصر*. شیراز: انتشارات نوید شیراز.

فلاندن، اوژن (۱۳۵۶). *سفرنامه اوژن فلاندن به ایران*. ترجمه حسین نور صادقی. انتشارات اشراقی.

فرصت الحسینی شیرازی، محمد نصیر (۱۳۱۲-۱۳۱۳قمری). *آثار عجم*. چاپ دوم. به اهتمام عبدالله طهرانی. چاپ بمبئی.

لوکوک، پیر (۱۳۸۹). *کتیبه‌های هخامنشی*. ترجمه نازیلا خلخالی. به کوشش ژاله آموزگار. تهران: نشر و پژوهش فرزان روز.

با سپاس از سایت موسسه collections search center

http://collections.si.edu/search

با سپاس از سایت کتابخانه مجلس

https://goo.gl/mPqWKn

با سپاس از سایت موسسه flickr

https://goo.gl/UQN5si

پایــگاه خِــرَدگــان

تاریخ و فرهنگ ایران زمین

KHERADGAN.IR